



بسمه تعالی

گزارش چکیده پایان نامه / رساله
فارسی و انگلیسی



نام و نام خانوادگی					یارگل (عظیمی)		رشته تحصیلی:		روابط بین الملل		مقطع تحصیلی:		کارشناسی ارشد		تاریخ دفاع:		۱۴۰۲/۶/۱۸		
نام استاد راهنما					دکتر نیما رضایی		نام استاد مشاور		دکتر محمد ولی مدرس		نام استاد/ اساتید داور		دکتر رحیم بایزیدی						
عنوان پایان نامه / ساله:					بررسی تهدیدهای سرریز شده از حوزه افغانستان به محیط امنیتی روسیه در بازه زمانی 2001 لغایت 2021														
بیان مسأله پژوهش					سیاست روسیه در قبال افغانستان با فراز و نشیب زیادی همراه بوده است. به صورت کلی، سیاست روسیه در قبال افغانستان از زمان تهاجم روس‌ها در سال 1979 به افغانستان تاکنون را می‌توان در چهار دوره طبقه‌بندی نمود: الف) دوره نخست، از زمان حمله به افغانستان تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (1990-1979): در این دوره، هسته‌های مقاومت اسلامی علیه اشغالگری شوروی شکل گرفت و ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت و رهبر بلوک غرب در کنار عربستان سعودی و پاکستان حمایت مالی و تسلیحاتی از مجاهدین افغان را در دستور کار قرار داد. مقاومت گروه‌های جهادی منجر به خروج شوروی از افغانستان شد. ب) دوره دوم، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا اشغال افغانستان توسط ایالات متحده (2000-1991): استمرار معضلات داخلی شوروی تجزیه شده و جمهوری‌های تازه استقلال یافته، فرصت پرداختن به مسائل و تحولات افغانستان را از روس‌ها سلب نمود. روسیه در این دوره هیچ علاقه‌ای نسبت به مسائل افغانستان نشان نمی‌داد. ج) دوره سوم، از زمان اشغال افغانستان توسط ایالات متحده تا روی کار آمدن ترامپ (2016-2001): اشغال افغانستان در سال 2001 منجر به متواری شدن افراط‌گرایانی شد که افغانستان را بستری مناسب برای گسترش فعالیت‌های خود دیده بودند. پس از تشکیل دولت جدید در افغانستان، ایالات متحده و ناتو حضور														

نظامی خود در آن کشور را گسترش دادند. همین موضوع موجب گردید تا روس‌ها به تدریج از دامنه همکاری خود با ایالات متحده بکاهند و از سال 2006 به بعد مخالفت با حضور ایالات متحده و غرب در افغانستان و منطقه را به اشکال مختلف ابراز نمایند. درگیری آن کشور در مجموعه‌ای از بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران گرجستان، اوکراین و سوریه بود.

(د) دوره چهارم، از زمان حضور ترامپ در کاخ سفید تا زمان خروج ایالات متحده از افغانستان در 31 اوت (آگوست) 2021 (2021-2017):

پس از استقرار ترامپ در ساختمان کاخ سفید در 20 ژانویه 2017 (1 بهمن 1395) راهبرد ایالات متحده در قبال افغانستان با تغییرات شگرفی همراه گردید. در این راهبرد جدید، ایالات متحده متعهد گردید تا از قدرت‌گیری طالبان ممانعت به عمل آورد و با داعش و القاعده مبارزه و آن‌ها را نابود نماید. اگرچه این تغییر با هدف اولیه ایالات متحده از حمله به افغانستان در سال 2001 در تضاد بود، لکن مسیر مذاکره با طالبان را هموار نمود. ماحصل این راهبرد، امضای توافق رسمی صلح میان نماینده ویژه ترامپ، زلمی خلیل‌زاد، با ملا عبدالغنی برادر، معاون رهبر سیاسی طالبان در 29 فوریه 2020 در دوحه و در حضور مایک پامپئو، وزیر خارجه ترامپ و شماری از ناظران بین‌المللی بود. روس‌ها موضع مثبتی در قبال این توافق اتخاذ نمودند. ضمیر کابولوف، فرستاده ویژه رییس‌جمهور روسیه در امور افغانستان ضمن استقبال از امضای توافق‌نامه صلح میان ایالات متحده و طالبان، اظهار داشت که این توافق اول از همه، برای خود افغانستان اهمیت مثبت دارد و افزود: «این توافق راه را برای اقدامات بعدی، پایان دادن به جنگ و پیش‌برد آشتی ملی هموار می‌کند که باید جنگ داخلی را در افغانستان خاتمه دهد».

پس از واقعه 11 سپتامبر، جورج بوش با گرفتن انگشت اشاره به سمت القاعده، زمینه‌چینی جهت حمله به افغانستان که کنترل بخش اعظم آن در اختیار گروه طالبان قرار داشت را آغاز نمود. در این راستا بوش از طالبان خواست تا تمامی کمپ‌های نظامی القاعده در افغانستان را تعطیل کرده، رهبران القاعده و شبه‌نظامیان وابسته را به ایالات متحده مسترد و اجازه بازرسی از کمپ‌های نظامی به بازرسان آمریکایی را صادر نماید. به دنبال امتناع رهبران طالبان از این درخواست، 7 اکتبر 2001 (15 مهرماه 1380) فرمان آغاز عملیات «آزادی پایدار» (Enduring Freedom) و حمله به افغانستان صادر گردید. در حالی که جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های پیشرفته آمریکایی اهداف را یکی پس از دیگری بمباران می‌نمودند و در شرایطی که طالبان

فاقد یک دفاع هوایی کارآمد بود، مقاومت نیروهای طالبان درهم شکسته شد. در چنین شرایطی نیروهای اتحاد شمال (مجاهدین) نیز به یاری نیروهای ائتلاف شتافتند و حمله به مواضع طالبان را شدت بخشیدند.. پس از سقوط طالبان در افغانستان، بخشی از گروه‌های افراط‌گرا راهی آسیای مرکزی و قفقاز شمالی شدند که نگرانی‌هایی را در میان مقامات کرملین برانگیخت. روابط دو کشور پس از سقوط طالبان در سال 2001، با اولین سفر حامد کرزای به روسیه در مارس 2002 وارد فصل جدیدی شد که دیپلمات‌های افغانستانی و کارشناسان روس آن را مرحله کیفی جدید معرفی نمودند. البته لازم به ذکر است که دو طرف با احتیاط و دقت بسیار زیاد در مورد این سفر اظهار نظر نمودند. بنابراین در این پژوهش تلاش می‌شود تا تهدیدهایی که در بازه زمانی 2001 لغایت 2021 از حوزه افغانستان متوجه محیط امنیتی روسیه گردید، احیاء شده و سیاست روسیه در قبال این تهدیدهای نشأت گرفته از محیط افغانستان مورد واکاوی قرار گیرد. هم‌چنین ماهیت این تهدیدها مورد تدقیق قرار گرفته و به ابزارهای روسیه جهت مقابله با سرریز تهدیدهای نشأت گرفته از محیط افغانستان به محیط امنیتی روسیه پرداخته می‌شود.

<p>روش پژوهش:</p> <p>این پژوهش از نوع کیفی میباشد. جامعه و نمونه و شیوه نمونه گیری ندارد ابزار و روش گردآوری داده ها: داده های پژوهش از منابع کتابخانه ای و وب محور (اینترنتی) جمع آوری شده است. روش تجزیه و تحلیل داده ها: روش تجزیه و تحلیل داده ها، روش کیفی می باشد.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>پرسش های پژوهش</p> <p>پرسش اصلی</p> <p>-در بازه زمانی 2001 لغایت 2021، کدام تهدیدها از حوزه افغانستان به محیط امنیتی روسیه سرریز شدند؟</p> <p>پرسش های فرعی</p> <p>- محور سیاست روسیه در قبال افغانستان در بازه زمانی 2001 لغایت 2021 کدام اصل بود؟</p> <p>- ابزارهای روسیه در راستای جلوگیری از سرریز تهدیدهای نشأت گرفته از حوزه افغانستان به محیط امنیتی روسیه چه موارد بود؟</p> <p>فرضیه های پژوهش</p> <p>فرضیه اصلی</p> <p>-در بازه زمانی 2001 لغایت 2021، تهدیدهای نشأت گرفته از حوزه افغانستان از جمله افراط گرایی، تروریسم و مواد مخدر به محیط امنیتی روسیه سرریز شدند.</p> <p>فرضیه های فرعی</p> <p>-حسته اصلی سیاست روسیه در قبال افغانستان در بازه زمانی 2001 لغایت 2021 جلوگیری از سرریز شدن تهدیدهای نشأت گرفته از محیط افغانستان (نظیر افراط گرایی، تروریسم و مواد مخدر) به محیط امنیتی روسیه (بالأخص در آسیای مرکزی و قفقاز شمالی) بدون درگیری مستقیم در افغانستان بود.</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>

<p>دیپلماسی، کمک‌های اقتصادی و اقدامات اطلاعاتی سه ابزار اصلی روسیه جهت جلوگیری از سرریز تهدیدهای نشأت گرفته از حوزه افغانستان به محیط امنیتی روسیه بودند.</p>	
<p>اول انتخاب موضوع دوم انتخاب بیان مسئله سوم ضرورت و اهمیت انجام پژوهش چهارم پشینه پژوهش پنج نوآوری های پژوهش شش اهداف پژوهش هفتم پرسش های پژوهش هشتم فرضیه های پژوهش نهم روش شناسی پژوهش دهم تعریف مفاهیم و واژه گان کلیدی</p>	<p>روند پژوهش:</p>

نتیجه گیری

۷-۱ نتیجه گیری تعاملات روسیه و افغانستان قرن‌ها پیش آغاز شده و تاکنون کم و بیش ادامه یافته است. این تعاملات تا پیش از فروپاشی شوروی به عنوان دو همسایه انجام می شد؛ در همین دوران بود که اتحاد شوروی اقدام به اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ نمود. پس از اینکه قوای ارتش سرخ در سال ۱۹۸۹ افغانستان را ترک کردند، اتحاد شوروی درگیر فراگردهایی شد که به فروپاشی این ابرقدرت انجامید. پس از آن بود که فدراسیون روسیه به عنوان میراث دار ابر قدرت، فروریخته بیش از یک دهه با مشکلات متعدد، سیاسی اقتصادی و امنیتی مواجه گشت. پس از تحلیل محتوای سند راهبرد امنیت ملی روسیه، تهدیدهای متصور علیه منافع و امنیت این کشور در دو محور شامل تهدیدهای داخلی و خارجی مورد شناسایی قرار گرفت بدین ترتیب تهدیدات عمده امنیتی روسیه در سطح داخلی شامل تروریسم جنایات سازمان یافته و فعالیت گروه های بنیادگرا و جدایی طلب مهاجرت غیرقانونی به فدراسیون روسیه، عقب ماندگی در حوزه فن آوری توسعه نیافتگی اقتصادی گسترش مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی و در سطح خارجی شامل تهدیداتی از جمله بازگشت یک جانبه گرایی به روابط بین الملل، تلاش برخی قدرتها جهت برهم زدن موازنه راهبردی، گسترش ناتو به شرق قاجاق مواد مخدر. یافته ها حاکی از آن است که روسیه در سند مذکور، دامنه امنیت را به حوزه های مختلف از جمله محیط زیست، فرهنگ و بهداشت گسترانده و امنیت را در مفهوم گسترده آن مدنظر قرار داده است. نکته دیگر این که بخشی از تهدیدات ذکر شده مانند افراط گرایی قاجاق مواد مخدر و شرارت، به طور عمده از جانب افغانستان برخاسته و امنیت فدراسیون روسیه را تحت تأثیر قرار داده اند. در پاسخ به پرسش سوم نیز تهدیدات در سه سطح طبقه بندی شده و مورد بررسی قرار گرفته اند. در سطح نخست تهدیدات بالفعل و بالقوه در محیط داخلی افغانستان علیه فدراسیون روسیه بررسی شد که شامل افکار و اندیشه های روس ستیز، جریانهای سیاسی مخالف ناکامی در فرآیند دولت ملت سازی و تولید مواد مخدر افغانستان میشود. در دومین سطح که سطح منطقه ای است، تهدیدات افغانستان در منطقه اوراسیای مرکزی علیه فدراسیون روسیه شامل افراط گرایی اسلامی و تروریسم و نیز قاجاق مواد مخدر از طریق آسیای مرکزی به روسیه و غرب میباشد. سومین سطح نیز بازنشانی تهدیدات افغانستان درون مرزهای فدراسیون روسیه را در دستور کار داشت که اساس یافته ها در این محور افراط گرایی اسلامی و بر جدایی طلبی؛ و قاجاق و استعمال مواد مخدر

تهدیدات عمده امنیتی متوجه روسیه با در منشأ افغانستان محسوب می شوند. افغانستان به دلایل متعددی از جمله به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک، روابط دیرینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با روسیه اشتراکات دینی این کشور با کشورهای آسیای مرکزی که غشای امنیتی روسیه به شمار می آیند و نیز با مسلمانان روسیه، جایگاه مهمی در سیاست خارجی فدراسیون روسیه دارد همچنین افغانستان امروزه به عنوان حلقه اتصال منافع ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی آن؛ کشورهای اسلامی از جمله ایران ترکیه و عربستان سعودی؛ کشورهای آسیای جنوبی از جمله هند و پاکستان؛ چین و کشورهای آسیای مرکزی است. از این جهت موقعیت غیر قابل انکاری در عرصه منطقه ای و جهانی دارد و روسیه به عنوان کشوری که داعیه دار قدرت بزرگ مدرن هنجارمند است نمیتواند اصولاً به بازیگری در این آوردگاه بی توجه باشد. علاوه بر این افغانستان به لحاظ امنیتی نیز جایگاه ویژه ای در منظر روسها دار است. یافته ها حکایت از آن دارند که اولاً تهدیدات متعدد و با اهمیتی در سطوح و ابعاد مختلف با منشأ افغان امنیت روسیه را مورد تهدید قرار می دهند. ثانیاً این تهدیدات جزء تهدیدات مطرح شده توسط فدراسیون روسیه به ویژه در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۹ هستند.

بنابراین افغانستان در منظر مردان امنیتی فدراسیون روسیه به عنوان یک خطر عمده تلقی میشود که میتواند غشای محافظ و عمق راهبردی روسیه یعنی آسیای مرکزی و حتی خود این کشور را با چالشهای امنیتی متعدد مواجه کند. از این رو میتوان گفت که افغانستان به لحاظ اهمیت تهدیدات برخاسته از آن واجد جایگاه مهمی در سیاست امنیتی فدراسیون روسیه است و دولت مردان این کشور توجهی ویژه به مسائل افغانستان دارند.

تائید استاد راهنما

